



وقتی همه‌ی صفحه‌های روزنامه آماده شد، آن‌ها را برای سردبیر روزنامه می‌فرستند. **سردبیر** کسی است که همه‌ی روزنامه را بررسی می‌کند و نظر می‌دهد. بعد از اینکه سردبیر روزنامه را دید و همه چیز خوب بود، روزنامه آماده‌ی چاپ می‌شود.



جایی که روزنامه در آن چاپ می‌شود، **چاپخانه** نام دارد. روزنامه با تعداد خیلی زیاد در چاپخانه چاپ می‌شود. فکرش را بکنید، مثلاً هزارتا روزنامه در یک جا!



دکه‌های روزنامه فروشی همیشه کلی مجله و روزنامه دارند. درست است که با موبایل می‌شود خیلی از خبرها را خواند، اما هر خبری که نمی‌تواند واقعاً درست باشد. خوبی و برتری روزنامه در این است که درست یا دروغ بودنش اول راستی آزمایی می‌شود. مردم هم روزنامه‌ای را که بیشتر دوست دارند، از دکه‌ها می‌خرند. الان هم که شما دارید کوله‌پشتی را می‌خوانید، یعنی شما و خانواده‌تان روزنامه‌ی خودتان را دوست داشته‌اید.



وقتی روزنامه‌ها چاپ شدند، یک نفر باید آن‌ها را به دست فروشنده‌ها برساند. این کار را **توزیع‌کننده (موزع)** انجام می‌دهد. توزیع‌کننده روزنامه‌ها را به دکه‌های روزنامه فروشی تحویل می‌دهد تا مردم آن‌ها را بخرند.

